



جمهوری اسلامی ایران

شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

شهرستان آبادان

عنوان:

جایگاه والدین در بصیرت یابی فرزندان

استاد راهنما:

سرکارخانم م.آلبولافی

گردآورندگان:

هاجر طرفاوی مینابی، الهام مجدم

بهار ۱۳۹۷

تقدیر و تشکر

مصدق (من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق) بسی شایسته است از اساتید عزیز خانم آبولافی و خانم فرهنگ کیا که با کرامتی چون خورشید، سر زمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم و دانش را با راهنمایی های کار ساز و سازنده بارور ساختند؛ تقدیر و تشکر می نمایم.

چکیده

خانواده نخستین و مهمترین جایگاهی است که هنجارهای خود را به کودک منتقل می کند. خانواده جزء پایدارترین اجتماعات که اعضای آن پیش از بیست سال با یکدیگر زندگی می کنند و اینجاست که خانواده می تواند رفتارها و ارزش های پایدار تولید کند از ویژگی های مهم خانواده این است که در آن تربیت جامع شکل می گیرد خانواده سالم به رعایت سلسله مراتب و الگوی تفکیک نقش ها حساس است رعایت سلسله مراتب در خانواده سبب می شود که سلسله مراتب برای فرزندان فهم پذیر و احتمال رعایت آن بیشتر باشد اساس خوشبختی و بدبختی آدمی در رحم مادر پی ریزی می شود و طلاق های عاطفی یکی از عوامل ایجاد فشار عصبی در فرزندان شده و این امر به نوع خود باعث کاهش بصیرت فرزندان شده است.

کلیدواژگان: بصیرت، تربیت، فرزند، والدین

فهرست مطالب

مطلب	صفحه
مقدمه	۱
معانی لغوی	۲
معانی اصطلاحی	۳
جایگاه بصیرت والدین در تربیت فرزندان	۵
اصول تربیتی فرزندان	۷
۱. دوران جنینی	۷
۲. دوران کودکی	۸
۱. مرحله اول کودکی (قبل از دبستان)	۸
۲. مرحله دوم کودکی (دوران مدرسه)	۱۰
۱. تربیت عاطفی و اجتماعی	۱۰
۲. تربیت دینی و اخلاقی	۱۱
۳. آموزش علوم و رفتن به مدرسه	۱۱
۳. مرحله نوجوانی	۱۲
وظایف والدین در دوره نوجوانی	۱۲
ثبات عاطفی والدین	۱۳
زمینه ایجاد بصیرت در فرزندان	۱۳
۱. وراثت	۱۳

۲. رسانه ۱۴
- آسیب شناسی بصیرت در فرزندان ۱۵
۱. طلاق ۱۵
۲. طلاق عاطفی ۱۶
۳. فشار عصبی ۱۷
۴. اثر رفتارهای نادرست والدین ۱۸
- عوامل کاهش بصیرت در فرزندان ۱۹
- وظایف تربیتی والدین ۲۱
- تحریک انگیزه های ایمانی ۲۲
- نتیجه گیری ۲۴
- راهکارها ۲۵
- منابع و ماخذ ۲۶

مقدمه

نظام خانواده از جایگاه مهم و مقدسی برخوردار است در جامعه اسلامی خانواده مهمترین مرکز تربیتی اجتماعی برای تمام افراد در نظر گرفته شده است و از لحاظ اسلام و دین و اهل بیت به خانواده بها و اهمیت زیادی داده اند در عصر حاضر خانواده مهمترین قطب را در تربیت افراد دارد .

از جمله افرادی که در یک خانواده تربیت می شوند فرزندان یک خانواده هستند که تمام اصول تربیتی یک فرزند در خانواده تشکیل می شود از جمله اصول تربیتی که یک خانواده برای فرزند در نظر میگیرد و در تمام مراحل تربیت و رشد او را همراهی میکند اصل بصیرت است. بصیرت یک اصل تربیتی مهم است که باعث می شود فرزندان مسیر زندگی خود را با شیوه ی درست انتخاب کرده و موفقیت هایی را در زندگی داشته باشند و اصول تربیت صحیح را به نسل های بعد منتقل کرده و خود در جایگاه والدینی قرار بگیرند که باعث رشد بصیرت در فرزندان خود شوند.

اللهم وفقنا لما تحب و ترضی

هاجر طرفاوی مینابی - الهام مجدم

بهار ۱۳۹۷

معنای لغوی

بصیرت: به معنای بینش و دانایی، روشن بینی، زیرکی و هوشیاری است.^۱

تریت: پروردن یا پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن است.^۲

فرزند: معروف است و به عربی ولد و گویند. فرزند در قانون ارث از طبقه اول به شمار می آید.^۳

والدین: پدر و مادر^۴

۱. محمد، معین، فرهنگ فارسی، کتابخانه ملی ایران، ج ۱، ۱۳۸۸، ص ۵۶۴

۲. همان، ص ۱۰۶۳

۳. همان، ج ۲، ص ۲۵۱۵

۴. حسن، انوری، فرهنگ بزرگ سخن، کتابخانه ملی ایران، ج ۸، ۱۳۸۱، ص ۸۱۶۵

معانی اصطلاحی

بصیرت: بصیرت به معنی دلیل و برهان است. و آدمی خود بر نفس خویش گواه است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «این چه کاری است که آدمی می کند؟ ظاهر و برون خویش را نیکو جلوه می دهد و بدی ها را همچنان در درون نگه می دارد، مگر نه این است که چون به خویشتن بازمی گردد می داند که چنین نیست؟! و خداوند سبحان می فرماید: «بل الانسان علی نفسه بصیره» این را بداند که چون درون اصلاح گردید؛ برون قوت می گیرد.^۱

تربیت: پرورش دادن، نیروی بالقوه را به فعلیت رساندن، که در دین مبین اسلام از وظایف حسنه هر کسی است که خود و هر کسی را که در حوزه تسلط اوست، تربیت کند و خویشتن را مسئول پرورش آن داند. پیغمبر (ص) می فرماید: «فرزندانتان را گرامی دارید و آن ها را نیکو ادب کنید».^۲

فرزند: معروف است و به عربی ولد و نسل گویند. فرزند در قانون ارث از طبقه اول به شمار می آید، خداوند درباره فرزندانتان به شما سفارش می کند: «سهم ارث فرزند پسر دو برابر سهم ارث دختر است».^۳ **والدین:** پدر و مادر. «لا تعبدون الا الله وبالوالدین احسانا»؛ از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدای یکتا را نپرستید و به پدر و مادر و..... نگو

^۱ . مصطفی، حسینی دشتی، دایره المعارف اسلامی، نشر-تهران: سپید موی اندیشه، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۳۸۰

^۲ . همان، ج ۳، ص ۱۶۵۸

^۳ . همان، ج ۶، ص ۴۲۱۲

رفتار باشید. رسول خدا می فرماید: «نگاه به پدر و مادر عبادت است. حضرت فاطمه الزهرا سلام الله علیها می فرماید: «نیکی

به پدر و مادر، آدمی را از خشم خدا محفوظ می دارد».^۱

جایگاه بصیرت والدین در تربیت فرزندان

در فرهنگ اسلامی، ازدواج و تشکیل خانواده، به منزله ساختن بهترین و دوست داشتنی ترین بنا در نزد خداوند است. تأکید بر پاسداشت خانواده، به دلیل جایگاه یگانه ی آن در باز تولید فرهنگ و شکل دهی به ارزش های اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. خانواده کارآمد با صفات و ویژگی های زیر، در مجموع، خود را از نهاد های تربیتی دیگر ممتاز میکند. در علوم اجتماعی و علوم تربیتی، به این صفات و کارکردها توجه می شود و آموزه های اسلامی نیز، به برخی از آنها تصریح کرده اند:

اول. خانواده نخستین جایگاهی است که هنجارهای خود را به کودک منتقل می کند و همین هنجارها است که غالباً مبنای قضاوت بعدی کودک می شود. همه ما برای فراگیری علوم، متون تخصصی پایه را فرا گرفته ایم و پس از رویارویی با کتاب دوم، این احتمال که کتاب اول مبنای قضاوت ما در باره کتاب دوم قرار گیرد، از حالت عکس آن بیشتر است. در ذهن کودک نیز، همین اتفاق می افتد و او باور های نخستین خود را که مبنای قضاوت های بعدی او است، از اعضای خانواده می گیرد.

خانواده جزء پایدارترین اجتماعات است که اعضای آن، غالباً بیش از بیست سال با یکدیگر زندگی می کنند. اینجا است که خانواده می تواند رفتارها و ارزش های پایدار تولید کند، به گونه ای که فرزندان، ناخود آگاه، بسیاری از روحيات و رفتارهای والدین خود را باز تاب می دهند.^۱

دوم. خانواده، مهم ترین نهادی است که در آن، اراده آزاد و اختیار بیشتری جریان دارد؛ یعنی والدین، ارزش های خود را بر اساس اعتقاد و اراده خویش، انتخاب و به نسل بعد منتقل می کنند؛ نه بر اساس بخشنامه های ابلاغی. به

۱. محمدرضا، زیبایی نژاد، جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی، مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۱، ص ۱۴۴-۱۴۶

علاوه، بهترین و مطمئن ترین گونه ارتباط-که ارتباط چهره به چهره، درازمدت، براساس شناخت کامل دو طرف از یکدیگر و بنا شده بر اعتماد است-شکل می گیرد. در این فضا، پشت صحنه ای وجود ندارد و ارتباطات براساس خلوص و همدلی است و کمتر احتمال دارد که در خانواده، با رفتارهای ظاهر سازانه و چاپلوسانه روبه رو شویم. در خانواده، اعتماد و همدلی و همفکری و همیاری بی نظیری وجود دارد که زمینه ساز تعادل روانی می گردد و از خانواده، مهمترین کانون نشاط را می سازد.

سوم. والدین اصولاً، نسبت به انتقاد ارزش های مورد نظر خود به نسل آینده، حساس و در برابر سرنوشت فرزندان، نگران هستند. والدین برای تربیت فرزند خویش، به آب و آتش می زنند و از انحرافات وی بی تاب می شوند. به علاوه، اعضای خانواده از نظر عاطفی و اقتصادی و اجتماعی (آبرو) به هم وابسته اند و به همین دلیل، برای بهبود وضعیت یکدیگر مایه میگذارند.

چهارم. از ویژگی های مهم خانواده، این است که در آن تربیت جامع شکل می گیرد؛ به این معنا که کسی در پی هدایت و خیر خواهی فرزندان برمی آید که عهده دار حمایت مالی، حمایت عاطفی، مراقبت و محافظت نیز هست. از سوی دیگر، ارتباط تربیتی والدین و فرزندان، برخلاف تربیت رسمی، برای دریافت مزد انجام نمی شود و بدون منت است؛ در چنین حالتی تأثیرگذاری تربیتی بیشتر خواهد بود.^۱

پنجم. خانواده سالم، به رعایت سلسله مراتب و الگوی تفکیک نقش ها، حساس است. رعیت سلسله مراتب در خانواده سبب می شود که سلسله مراتب اجتماعی برای فرزندان، فهم پذیرتر و احتمال رغایت آن، بیشتر باشد. فرزندی که تربیت شده تا والدین خود را احترام کند؛ آن را با لفظ های محترمانه خطاب کند؛ نظر آن را تا جای ممکن بر نظرات

خود مقدم سازد و تصمیمات سرپرست خانواده را به دلیل آن که سرپرست است محترم شمارد، در زندگی اجتماعی نیز، به راحتی سلسله مراتب ولایی را درک میکند و به علت اختلاف نظر حریم ها را نمی شکند.^۱

اصول تربیت فرزندان

۱. دوران جنینی

پس از تکون فرزند و رشد او در رحم بیشتر مسئولیت ها متوجه مادر است. استفاده مادر از برخی غذاها و میوه ها، هم در شکل ظاهری فرزند تأثیر دارد و هم در اخلاق و روحیات او. برای نمونه، خوردن میوه ی به و خربزه، چهره و خلق و خوی فرزند را نیکو میکند. باید وسایل زندگی مادر از مال حلال تهیه شود، این امر هم بر مادر و هم بر فرزند او مؤثر است. والدین باید از راه حلال، غذا و وسایل زندگی کودک را تأمین کنند. حالات عاطفی مادر، از جمله عواطف منفی، بر جنین اثر دارد.

فشار عاطفی مادر باردار در طولانی مدت چه ناشی از مشکلات زناشویی باشد یا عقاید منفی یا حوادث ناگوار زندگی، آثار نامطلوبی بر کودک دارد. نوزادان مادران غمگین و ناشاد، ممکن است پیش از موعد، متولد شوند یا کم وزن بوده یا اینکه بیش از حد فعال و ناآرام باشند. به دلیل عوارض یاد شده، زن و شوهر منتظر فرزند، باید روابط عاطفی مثبت و آرامش بخشی داشته باشند، از زمینه های تعارض و اختلاف در حد توان دوری کنند و از رفتار های نامناسب و به عبارتی گناهان اجتناب کنند. انجام رفتارهای شایسته دینی، عبادات و قرائت قرآن از سوی مادر بی تردید به رشد معنوی او کمک کرده و در فرزند تأثیر مستقیم و غیر مستقیم دارد که بر بصیرت فرزندان تأثیر بسیاری دارد.^۲

۱. همان.

۲ محمد رضا، سالاری فر، درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، چاپ شانزدهم، مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۵، ص ۱۴۴-۱۴۵

۲. دوران کودکی

۱. مرحله اول کودکی (قبل از دبستان)

از مسائل مهم در دوره اول کودکی، آشنایی با محیط طبیعی، اشیاء و اشخاص گوناگون است. بازی با اشیاء و اشخاص، وسیله مناسبی برای شناخت محیط است و شاید غالب فعالیت های کودک در این دوره، به بازی و سرگرمی مربوط می شود و او زمان کمی را به آموزش رسمی و معین می پردازد. در این مورد پیامبر اکرم (ص) میفرماید: «اجازه دهید کودکان در هفت سال اول زندگی به بازی مشغول شوند و پس از آن به تعلیم و تربیت آن ها بپردازید.» البته آموزش کودک از همان ماه های اول زندگی آغاز می شود، ولی آنچه باید از آن دوری کرد، آموزش رسمی و نظام مند است که در آن کودک باید طبق برنامه ای خاص به فراگیری اموری خاص مشغول شود. پیامبر و اولیای دین علیهم السلام نه تنها بر بازی کودکان تأکید داشتند، بلکه خود بارها با کودکان بازی می کردند.^۱

بازی از چند جهت، نقش مؤثر و اهمیت فوق العاده در تربیت و بصیرت کودک دارد.

۱. بازی نیاز طبیعی و اساسی کودک است و بی توجهی به این نیاز خسارت روانی بسیاری به بار خواهد آورد. کودک بر اثر تغذیه، انرژی فراوانی دارد و مصرف این انرژی در کودک جزء از راه بازی میسر نیست. در این زمینه امام کاظم علیه السلام میفرماید: «مستحب است که فرزند در کودکی به بازی و جست و خیز بپردازد تا در بزرگسالی حلیم باشد.» سپس میفرماید: «جز این کار، سزاوار نیست.» یعنی در واقع، انسان در کودکی باید روحیه ستیزه جویی و جنگ جویی و ترس ها و تردید های خود را با بازی ارضا کند تا در بزرگی حلیم باشد.

۱. همان، ص ۱۵۵-۱۵۱

۲. بازی، وسیله ای برای رشد همه جانبه و هماهنگ کودک است، زیرا بازی انواع و اقسام گوناگونی دارد و کودکان در هر ساعتی به یکی از انواع بازی ها و در دوران و سنین مختلف کودکی به نوعی از بازی ها روی می آورند و هر یک از این بازی ها، جنبه های متفاوت از شخصیت کودک را رشد می دهد.

در سنین اولیه کودکی، بازی در تقویت حواس پنج گانه، کنترل اعضا و هماهنگی آنها نقش اساسی ایفا می کند. در همین سنین، کودک در بازی، عواطف و احساسات خود را به عروسک یا افرادی که در بازی با او شرکت می کنند، نشان می دهد، ترس عا و تردیدهای خود را بیرون می ریزد، محبت کردن را تجربه میکند. کودک در بازی گاه می خندد و گاه می گیرد و از این طریق به تعادل عاطفی می رسد.

۳. بازی وسیله ای برای شناخت کودک از خود و شناخت دیگران از کودک است. کودک در بازی، همه ضعف ها و قوت ها، ترس ها و نگرانی ها، بینش ها و نگرش ها، علایق و نفرت ها و به طور کلی شخصیت خود را بروز می دهد و در بسیاری از موارد، به ضعف ها و قوت های خود پی میبرد و در صدد برطرف کردن ضعف ها و تقویت نقاط قوت خود برخواهد آمد. همچنین والدین و مربیان میتوانند از طریق نظارت بر بازی کودکان و با شرکت در بازی آن ها، به نگرش ها و علایق و نفرت های کودکان خود پی ببرند و راهکارهایی برای تربیت بهتر آن ها فراهم سازند، حتی آن ها می توانند از این طریق به ضعف های خود در تربیت فرزندان و کودکان نیز پی ببرند و در صدد جبران آن ها برآیند.^۱

۴. ارزش دیگر بازی کودکان، ارزش آموزشی آن است. کودکان بر اثر بازی بسیاری از چیزها را می آموزند. دایره لغات آن ها افزایش می یابد و با رنگ ها، شکل ها و اشیای مختلفی آشنا می شوند. همچنین با آداب و مقررات اجتماعی آشنا می شوند. اصولاً یادگیری کودک در هفت سال اول زندگی یعنی دوران پیش از مدرسه، از طریق

عمل صورت می گیرد. این یاد گیری عملی ضمن بازی صورت می گیرد، چون در این دوران، کار و زندگی کودک، بازی است. حال اگر کودک، در این دوران به حال خود وا گذاشته شود، بازی ها خود به خود و به صورت غیر آگاهانه چیزهای بسیاری را به کودکان می آموزد. اما اگر والدین و مربیان، این بازی ها را هدایت و برنامه ریزی کنند، در این صورت کیفیت آموزشی، تفاوت خواهد داشت.^۱

۲. مرحله دوم کودکی (دوران مدرسه)

در این دوره، کودک تا حدی آماده آموزش علوم و پذیرش آداب و سنن اجتماعی و دینی است. از این رو، خود کودک نیز از صرف همه اوقات در بازی خسته می شود و نیازمند برنامه ثابتی برای آموزش های لازم است. کنترل والدین در این دوره باید بیشتر شود. کلمات اولیای دین نیز حاکی و مراقبت بیشتر والدین در این دوره است.

وظایف والدین در این دوران دارای سه بعد می باشد که شامل:

۲. ۱. تربیت عاطفی و اجتماعی

در بعد عاطفی و اجتماعی باید نیازهای کودک در این دوره شناخته شود و زمینه تأمین این نیازها ورشد کودک فراهم شود. به بیان دیگر، در این دوره به عواطف کودک بیشتر توجه کرده و زمینه کنترل و تأمین آن ها را فراهم می کنیم. همچنین باید به روابط اجتماعی و رفتار کودک با دیگران نیز توجه کرد و او را از انزوا

^۱. همان.

و ضعف در روابط اجتماعی باز داریم. از نیاز های کودک، نیاز به امنیت اجتماعی است؛ بدین معنا که می خواهد در کنار دیگران باشد بدون آن که او را تهدید یا ترک کنند.^۱

۲،۲. تربیت دینی و اخلاقی: کودکان ما با فطرت خدا گرای می شوند و پرورش این فطرت در آن ها از مسئولیت های والدین است. سعادت و سلامت فرزندان ما در گرو پرورش حس دینی و اخلاقی در آن هاست. از اهداف مهم انبیاء الهی علیهم السلام پرورش اخلاقی و حس بندگی خدا در انسان هاست. در این امر، عوامل متعددی، مانند وراثت، محیط طبیعی و جامعه مؤثر است.

لازم است والدین به تدریج و متناسب با درک کودک، او را با امور اعتقادی، اخلاقی و فرایض دینی آشنا کنند، از جمله آن ها را از هفت سالگی با نماز آشنا نمایند. به این منظور نه تنها در گفتار، بلکه در رفتار خود دین داری و اخلاق را به کودکان بیاموزند.

۳،۲. آموزش علوم و رفتن به مدرسه: امروزه نقش مهم آموزش به کودکان را مدرسه به عهده دارد و در این باره، والدین باید نکته هایی را رعایت کنند، از جمله این که کودک را قبل از رشد عقلی و جسمی مناسب به مدرسه نفرستند، بلکه ابتدا وابستگی او را به والدین و خانه به تدریج و با روش های مناسب کم کنند، به ارتباط با معلمان و تفاهم با آنان در مورد فرزند اهمیت دهند، از مدرسه و کارکنان آن نزد فرزند به خوبی یاد کنند و به معلمان احترام گذاشته، و فرزند را به این کار تشویق کنند، رفتار متعادل با فرزند داشته و از وارد آوردن فشار بیش از توانایی کودک، خود داری کنند و بالأخره در صورت وجود ضعف تحصیلی در فرزند به ریشه یابی علل و حل آن اقدام کنند. و در مجموع به برنامه های آموزشی و تربیتی کودک اهمیت دهند.^۲

۱. همان، ص ۱۵۹

۲. همان، ص ۱۶۲-۱۶۳

رعایت این اصول و ابعاد توسط والدین بر بصیرت افزایی فرزندان تأثیر به سزایی دارد.

مرحله نوجوانی

در این مرحله سرعت رشد جسمانی، تغییرات هورمونی و تشدید ناگهانی میل جنسی، علاوه بر رشد عقلانی در نوجوانی، تحولات روانی شدیدی در نوجوانی به دنبال دارد که گویی دوباره متولد می شود. تولد دوباره، رنج، زحمت و فشار دارد، ولی پر از شور و نشاط و انگیزه برای حرکت است. در این مرحله، والدین باید نیازها، ویژگی های روانی، مسائل و مشکلات نوجوانان را در درجه اول بشناسند و سپس ریا رویی مناسب با نوجوان و مسائل او و ایفای نقش مؤثر در حل مشکلات و در سرلوحه رفتار خود قرار دهند. افزون بر این، هر یک از دختر یا پسر علاوه بر نیازهای مشترک، مسائلی ویژه دارد که باید به آن ها توجه نمود.^۱

وظایف والدین در دوره نوجوانی

باتوجه تحولات خانواده در عصر حاضر، نیاز و انتظارات در خانواده تغییر نموده و روابط متقابل میان والدین و فرزندان، به ویژه نوجوانان دچار مشکلات جدی شده است. به همین جهت والدین باید با روش های مناسب برقراری ارتباط، نقش و وظایف خود، روان شناسی نوجوان و روش های نامناسب تربیتی آشنا شوند تا به روابط سالم و متعادلی در خانواده دست یابند. در این باره توجه به چند اصل کلی که برای بصیرت افزایی فرزندان لازم است اشاره می شود:

۱. **ایجاد امنیت روانی:** والدین باید تلاش کنند، فرزندان در خانه احساس امنیت روانی کنند و خانواده را بهترین و امن ترین پناه گاه بدانند. طرد شخصیت کلی نوجوان یا سرزنش و تحقیر، امنیت روانی فرد را مختل می کند. باید رابطه ای با نوجوان برقرار کرد که آزادانه احساسات، اضطراب و نگرانی های خود را بدون احساس طرد، با والدین در میان گذارد.

۱. همان، ص ۱۶۳

۲. برقراری ارتباط کلامی و عاطفی: هرچه روابط عاطفی و کلامی بیشتر باشد، روابط اعضای خانواده، سالم تر و با نشاط تر و محکم تر است. صحبت با نوجوان در یک فضای محبت آمیز، محترمانه و صمیمانه و خلوت کردن با نوجوان و شنیدن مسائل و نگرانی های او و آزادی دادن کامل به او در گفتار، به تعدیل و سلامت نوجوان کمک می کند.

۳. اصل پذیرش و احترام: احترام به نوجوان و حقوق او، توجه به نیازهای او و پذیرش او همان طور که هست، از مهم ترین اصول برقراری روابط انسانی است. احساس ارزش مندی و اعتماد به نفس نوجوان، مبتنی بر احترام و پذیرش او است.

۴. پرهیز از افراط و تفریط، تحمیل و مقایسه: رفتار متعادل، اجازه به فرد برای درک یک موضوع و تصمیم گیری فردی، و دوری از مقایسه او با دیگران، زمینه روابط مناسب با نوجوان را فراهم می کند. در مقابل، در پیش گرفتن تحمیل و مقایسه، روابط با او را مختل و مانع اصلاح و تکامل او می شود.

ثبات عاطفی والدین

هرچه والدین عواطف نسبتاً پایداری داشته باشند، نوجوان بیشتر احساس آرامش می کند و بهتر می تواند بر آن ها تکیه کند. در مقابل، ناپایداری عاطفی و به اصطلاح دمدمی مزاج بودن والدین، نوجوان را به سوی محل امن یا شخص امن دیگر، هر چند در نظر و برداشت نوجوان، می کشاند. علاوه بر این، ممکن است نوجوان در اثر همانند سازی با والدین، دچار آشفتگی عاطفی شود.^۱

زمینه ایجاد بصیرت در فرزندان

زمینه های ایجاد بصیرت در فرزندان موارد متعددی دارد که به ذکر دو مورد از مهم ترین آن ها می پردازیم:

۱. وراثت: احساس خوشبختی و بدبختی آدمی، در رحم مادر پی ریزی می شود. علم جدید وراثت، ثابت کرده است که خواص موروثی از پدر و مادر به فرزندان به وسیله توزیع کروموزوم هایی که در هسته یافته ها هستند، منتقل می شود. کروموزوم هایی که بر حسب ابعاد خود، ده ها یا صدها، جزء دارند که همان ژن ها یا واحدهای موروثی

می باشند. بنابراین خواص ارثی، مربوط به عواملی هستند که به نام (ژن) موسوم و تعدادشان خیلی زیاد و مانند دانه های تسییحی در کروموزوم های هسته جای گرفته اند. ژن ها عامل بروز و ناقل صفات موجود به نسل هستند. گاه یک ژن، یک صفت را منتقل می سازد و گاه چند ژن یک صفت را منتقل می کند.

رسول اکرم (ص) و ائمه طاهرین علیهم السلام که حقایق را با نور وحی و الهام می گیرند، به این قانون عظیم خلقت توجه داشته و در بعضی از روایات، درباره این راز بزرگ سخن گفته و کلمه (عرق) را معرف کامل وراثت قرار داده اند و به عبارت روشن تر همان معنایی را که امروز محافل علمی جهان از کلمه (ژن) استفاده کرده است و برای نمونه بعضی از آن احادیث ذکر می شود:

رسول اکرم (ص) می فرماید: «بینید نطفه خود را در چه محلی مستقر می کنید، از قانون وراثت غافل نباشید، توجه کنید زمینه پاکی باشد تا فرزندان شما، وارث صفات ناپسند نشوند.»

امام صادق می فرماید: «با خاندان های شایسته ازدواج کنید، زیرا روش و اخلاق پدران، در فرزندان اثر می گذارد.»

المنجد (لغت نامه عربی) می گوید: «ناقل صفات پدر بر فرزند (عرق) است و به وسیله ی آن، وراثت از پدران به فرزندان منتقل می شود.»

طبق قانون توارث، که مورد قبول دانشمندان است، بسیاری از حالات و صفات جسمی و روحی، از پدر و مادر به فرزند منتقل می شود و همین امر زمینه را برای آینده خوب یا بد کودک آماده می سازد.^۱

صفاتی که از پدر و مادر به فرزند به ارث می رسد، بسیار است، مانند؛ دیوانگی و کودنی، رنگ مو و کیفیت های مربوط به آن، سجایای اخلاقی و صفات پسندیده یا سیئات اخلاقی و ملاک های ناپسند در پدران و مادران نیز در فرزندان، زمینه هایی را ایجاد می کند، پدران و مادران شجاع و سخی، فداکار و خدمتگزار اغلب فرزندان پرمایه و با فضیلت می آورند و بر عکس از خاندان های بخیل و زبون، خودخواه و ترسو بچه هایی پست و فرومایه متولد می شود.^۲

۲. رسانه: در میان ابعاد مختلف رسانه ای که باعث کاهش بصیرت می شوند؛ تحقیقات نشان داده که تماشای

تلویزیون برای بچه های کوچک برخی تاثیرات مفید را به همراه دارد. کودکان می توانند با تماشای برنامه های

۱. باقری طاقانکی، ناصری نژاد، برای تمام خانواده ها، ج ۱، انتشارات نصاب، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۶، ص ۲۴۷

۲. همان، ص ۲۴۶-۲۴۷

۳. همان، ص ۲۴۸

کودک ارزش های مثبتی را کسب کنند، برنامه های اجتماعی دارند؛ مانند رعایت حقوق دیگران، مسئولیت پذیری و احساس همدلی با افراد. آن ها می توانند اطلاعات تازه و مهیجی به دست آورند و برخی مهارت های پیش از خواندن را کسب نمایند (مهارت هایی مثل تشخیص حروف و کلمات). با این همه، تماشای بیش از حد تلویزیون امکان یادگیری آن ها از تجربه های واقعی بر بازی را محدود می کند (آن ها منفعل می شوند و برای یادگیری، کمتر تخیل خود را به کار می برند) و فیلم های خشن یا ترسناک پر خاشاگری در کودکان را شدت می بخشد و آن ها را وحشت زده می نماید. توصیه شده والدین با جدیت بر نحوه تماشای تلویزیون توسط کودکان نظارت داشته باشند، به این ترتیب که محدودیت هایی را نسبت به زمان تماشای آن مقرر کنند (یک تا دو ساعت در طول روز)، از تماشای برنامه های خشن و ترسناک جلوگیری کنند و هر زمان که امکان داشت در کنار کودک باشند و مضمون برنامه ها را برای او شرح دهند. این کار اثر فوق العاده ای در افزایش کودکان دارد.

آسیب شناسی بصیرت در فرزندان

در این بخش به چند مورد از آسیب هایی که باعث کاهش بصیرت در فرزندان می شود، اشاره می کنیم؛

۱. طلاق

طلاق به هر دلیل، آثار روانی مخربی بر اعضای خانواده دارد. فرزندان خانواده در طلاق با مشکلات عاطفی، اجتماعی و اقتصادی متعددی روبه رو می شوند. اغلب آنان از تغییر و تحولاتی که در خانواده روی می دهد ناآگاه هستند و والدین احساس می کنند نمی توانند اعتماد به نفس کافی به فرزند خود بدهند. هدایت فرزندان در جهت برخورد سالم با طلاق، مسئله حائز اهمیتی است که کوتاهی در آن، آثار زیان باری بر کودکان دارد. نزاع های زناشویی برای همه بچه ها سخت و ناگوار است، هرچند برای پسر بچه ها تحمل این اختلاف ها دشوار تر است. آنان عصبی مزاج، خود سر و نامنظم بار می آیند و به اندازه ی دو برابر سایر پسران توسط مراجع انتظامی دست گیر می شوند. دختران، مضطرب، نگران و منزوی یا بسیار مبادی آداب بار می آیند.

باید بچه ها را از پیش با مسئله طلاق و جدایی آشنا کنیم، که در این صورت، درک و پذیرش همه مراحل آن برایشان بسیار راحت تر خواهد بود. به این منظور، والدین باید چند روز قبل از جدایی آمادگی و فرصت کافی برای درک مسئله به فرزند خود بدهند.

از دیدگاه اسلام، اگر والدین را نسبت به مسئولیتشان در قبال فرزندان، و استمرار این مسئولیت، حتی پس از طلاق گوشزد کنیم، می توان مشکلات فرزندان را تا حدی تقلیل داد. به نظر می رسد اصل قرآنی «رها کردن هم با احسان»، حداقل چیزی باشد که میزان و کیفیت رابطه زن و شوهر مطلقه را در نگهداری و تربیت فرزند، حفظ و تقویت می کند.^۱

عدم توجه والدین به مسئولیت های اشاره شده باعث آسیب به بصیرت فرزندان می شود.

۲. طلاق عاطفی

نمونه دیگر از طلاق که در سرنوشت فرزندان دست دارد، طلاق عاطفی است. فرزند در اوضاع نابسامان طلاق عاطفی قربانی تسویه حساب های والدین می شود. فرزندان طلاق عاطفی اگر در ظاهر سالم بمانند و به معظلات اجتماعی از قبیل جرائم و جنایات، مواد مخدر و الکل و غیره کشیده نشوند، شادی و سرزندگی خود را از دست می دهند و نمی توانند پدر و مادرانی بهتر از پدر و مادر خود برای فرزندانشان باشند.

این فرزندان در شرایط پیش آمده زندگی خود احساس تنهایی، سرخوردگی و بی پشتوانگی می کنند. خصومت کور، بی تفاوتی، بی اعتنائی، لجبازی و سردی روابط فرزندان خانواده، ارتباط مستقیمی با رفتار والدین نسبت به هم دارد. جدایی احساسی بین زن و شوهر زمانی صورت جدی تری به خود می گیرد که پای فرزند یا فرزندان در میان باشد، بنابراین مهم ترین پیامد این گونه طلاق های عاطفی را باید در کودکان و نوجوانان این خانواده ها جست و جو کرد.

یکی از این فرزندان می گوید:

«تازمانی که به یاد دارم هیچ وقت با پدر و مادرم به تفریح نرفته ام، همسشه جای مادر یا پدر خالی بوده، آن ها هیچ وقت حرف های محبت آمیز به هم نزده اند، هیچ وقت ندیده ام دست هم را بگیرند، پدر می گوید: مادر تو پررو می شود و مادر هم عارش می آید با پدر بیرون برود!!!!!!»^۲

۱. محمد رضا، سالاری فر، همان، ص ۲۵۶-۲۵۷

۲. محمد بنی حسن، محمد حسن فاطمی راد، تهران: وائیا، ۱۳۹۵

۳. فشارهای عصبی

همانطور که در جوامع کنونی مشاهده می‌کنیم، فشار عصبی در زندگی تمام بچه‌های کوچک وجود دارد. شما می‌توانید با به کار بستن موارد زیر، فشار عصبی را در محیط خانگی فرزندان کنترل کنید، پس باید والدین برای بالا بردن بصیرت آن‌ها:

- به بچه‌ها کمک کنید هدف‌های واقعی منظور کنند.
- رقابت را کاهش دهید.
- تلاش‌ها و هرگونه علامتی از پیشرفت فرزندان را تشویق کنید.
- جوی ایجاد کنید که در آن هر بچه‌ای احساس کند بدون قید و شرط پذیرفته شده است.
- به بچه‌ها کمک کنید عضو مؤثر و مفید خانواده باشند، مثلاً با انجام دادن کار منزل.
- مهارت‌های ساده آرامش‌یابی را به کودکان یاد بدهید مانند این که چطور نفس عمیق بکشند.
- به احساسات فرزندان گوش فرادهید.

پس به خاطر بالا بردن بصیرت آن‌ها در این مسائل باید فشارهای عصبی را کم کرد.

یکی از راه‌هایی که بچه‌ها تنش را ابراز می‌دارند، از طریق علائم جسمی است.

برازلتون معتقد است هر بچه‌ای دارای اندامی است که با ایجاد علائم نسبت به فشار عصبی واکنش نشان می‌دهد. این علائم بازده فشار عصبی در زندگی بچه‌ها می‌شوند. سر دردها و دل‌دردها ممکن است علائمی از فشار عصبی در بچه باشد یا به طریق دیگر مثل سرماخوردگی یا سرفه‌های خشک بروز کند. والدین می‌توانند با این علائم کنار بیایند به شرطی که اطمینان حاصل کنند، بچه احساس کند درک و پذیرفته شده است و از میزان فشارهای عصبی اش بکاهد. اگر هریک از این علائم ادامه یافت، بچه باید توسط پزشکی معاینه شود که می‌تواند دیگر علل ممکن را تشخیص دهد یا راه‌هایی دیگر را برای تسکین فشار پیشنهاد کند.

تمام علائم جسمی، ناشی از فشارهای عصبی نیستند. دردهایی که شدید است و تکرار می‌شود و روبه‌وخامت می‌رود، و علائم دیگری مانند استفراغ یا مشکلات دید چشم باید فوراً توسط پزشک متخصص معالجه شود.

باتوجه علائم فوق و بروز آن‌ها در زندگی فرزندان، باعث کاهش بصیرت و جلوگیری از پیشرفت به سمت اهدافشان می‌شود.^۱

۴. اثر رفتار های نادرست والدین

در گذشته، اغلب والدین فرزندان‌شان را مستبدانه پرورش می‌دادند و این روش هنوز هم وجود دارد. والدین مستبد برای کنترل فرزندان‌شان متکی به تشویق و تنبیه هستند. پدر یا مادر تصمیم می‌گیرد که کدام رفتار قابل قبول است تا مطابق با آن فرزندش را تشویق یا تنبیه کند. اما تشویق و پاداش به بچه‌ها یاد می‌دهد که در برابر رفتار خوب انتظار دریافت چیزی را داشته باشند، وقتی تنبیه می‌شوند، از والدین می‌ترسند و از واکنش والدین‌شان نسبت به رفتار بدی که داشته‌اند، رنجیده خاطر شوند.

بچه‌ها برای رشد و یادگیری احتیاج به آزادی دارند.

آنان همچنین نیاز دارند فرصت کافی در اختیارشان قرار داده شود که انتخاب کنند و محدودیت‌ها و مسئولیت‌ها را یاد بگیرند. روش مستبدانه نه آزادی به بار می‌آورد و نه حق انتخاب. اجازه عمل به بچه‌ها دادن، یکی دیگر از روش‌های پدر و مادری است. از آن‌جا که روش آزادی دادن در برابر استبداد می‌آید، به نظر می‌رسد روشی قابل قبول‌تر است ولی آن هم معایبی دارد.

والدین اجازه دهنده هیچ‌گونه محدودیتی بر رفتار فرزندان اعمال نمی‌کنند. آنان آزادی زیادی در اختیار فرزندان‌شان قرار می‌دهند اما مسئولیتی نمی‌خواهند، اجتماع محدودیت‌های زیادی ایجاد می‌کند و از مردم انتظار دارد مسئولانه عمل کنند.

بچه‌هایی که برایشان محدودیت‌هایی منظور نشده است، در یادگیری این امر که در اجتماع چگونه رفتار کنند، گرفتار مشکل میشوند.

کدام شیوه‌ی پدری و مادری ممکن است به ما کمک کند به هدف‌هایمان دست یابیم؟

^۱. دان دینک میر و دیگران، والدین و کودکان زیر شش سال، مترجم: مجید رئیس‌دانا، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۷، ص ۳۶-۳۷.

ما تصور میکنیم که روش آزاد منشانه موثرترین راه است. پرورش آزاد منشانه مبتنی بر تساوی و احترام متقابل است. تساوی یعنی اینکه والدین و فرزندان در حرمت و ارزش انسانی برابرند. گرچه ما دارای توانایی ها، مسئولیت ها و تجارب گوناگون هستیم، به عنوان انسان دارای ارزشی برابریم.

هدف روش آزاد منشانه آن است که به بچه ها کمک کند با در نظر گرفتن محدودیت ها و منظور نمودن اختیارات در قالب محدودیت ها مسئولیت پذیرفته شوند. اغلب گفته شده که اعمال از کلمات گویا تر هستند. همچنان که فکر می کنیم برای فرزندان و خانواده مان چه می خواهیم، داشتن طرحی همه جانبه در مورد چگونگی برقراری ارتباط با فرزندانمان مفید واقع می شود. اگر ما می خواهیم فرزندانمان در بزرگسالی متکی به خود، مسئول و همیار با آینده، شیوه پدر و مادری ما به آنان کمک میکند که چگونه در مورد مسائل و چالش ها روز به روز تصمیم گیری کنیم.^۱

عوامل کاهش بصیرت در فرزندان

آن چه امروزه به عنوان یکی از آسیب های فن آوری اطلاعات اینترنتی به شمار می آید، استفاده های ضد فرهنگی و ضد اخلاقی از این فضای ارتباطی است. ابر قدرت های استکباری با هدایت و پشتیبانی سیستم جهانی اینترنت با هدف تضعیف باور های مذهبی، ایجاد گسستگی تاریخی و گسترش بی رویه انحراف و تباهی فرزندان از راههای گوناگون، کشور ما را آماج حمله های الکترونیکی خود قرار می دهند تا به هدف های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود برسند. یکی از آسیب های جدی استفاده بی رویه از اینترنت، «اعتیاد اینترنتی» است که به اختلال و بی نظمی فردی و اجتماعی شخص روی می دهد. بنا به گفته رئیس انجمن جامعه شناسان ایران، نزدیک به یک چهارم کاربران اینترنت در تهران، معتاد به اینترنت هستند و این میزان در فاصله سنی ۱۵ تا ۱۸ سال، در مقایسه با دیگر سن ها بیشتر است. هر چه اعتیاد به اینترنت

^۱. همان، ص ۳۶-۳۷

بیشتر شود، مسئولیت پذیری اجتماعی فرزندان کمتر است. نمونه ای دیگر از عوامل کاهش بصیرت و استفاده بی رویه از اینترنت، کاهش فرهنگ مطالعه و افت تحصیلی فرزندان می باشد.

با ورود اینترنت به وادی پژوهش های علمی، دیگر میل و توجه چندانی به مطالعه کتاب های سودمند به چشم نمی خورد و اینترنت، حوصله مطالعه را از فرزندان گرفته است. با روی کار آمدن اینترنت و دسترسی به انواع گوناگون موضوع ها و کتاب ها، فرزندان بدون پذیرش زحمت مطالعه کردن، به سراغ منابع اینترنتی می روند و خود را از مطالعه و تحقیق بی نیاز می بینند. در چنین وضعی، اینترنت به تدریج، ذهن را تنبل می کند و قدرت مطالعه و حتی درک پیام نهفته در یک جمله نوشتاری را از فرزندان می گیرد و میزان اثر گذاری فرهنگ مطالعه کاهش می یابد.

همچنین روی آوردن بیش از اندازه جوانان و نوجوانان به سوی برخی فضاهای نامناسب اینترنتی، کم کم افت تحصیلی این گروه را در پی خواهد داشت. برای نمونه، برای دانشجویی که ساعت های زیادی از وقت خویش را در اتاق های گپ سپری می کنند، دیگر چندان فرصتی برای خواندن کتاب های درسی و برقراری ارتباط اجتماعی نمی ماند و روز به روز شاهد افت نمره های خود هستند.

آشنا نبودن با زیبایی های زبان فارسی و در مقابل، سر و کار داشتن با زبان انگلیسی در اینترنت، سبب ناشناخته ماندن سودمندی های یکی از شاخه های پر بار فرهنگ اصیل ایرانی یعنی زبان فارسی می شود.^۱

یکی از راههایی که کودک می تواند به وسیله آن صاحب عاداتی نیک و رفتارهای پسندیده شود، داشتن الگوی مناسب است. بهترین الگو برای کودک، خانواده و در خانواده پدر و مادر در رتبه نخست قرار دارند. کودکان از سال های نخست زندگی خود از سال های نخستین زندگی خود از راه الگو پذیری به یادگیری می پردازند. والدین که عامل اصلی تربیت او هستند و مهم ترین نقش را در پرورش وی ایفا می کنند؛ آن ها از یک سو عامل وراثت و از سوی دیگر عامل محیطی.

در خانواده والدین به عنوان اصلی ترین عضو آن باید در تربیت دینی کودکان تلاش کنند تا متربی از سر شوق و اشتیاق به تجارب درونیدست یابد؛ به نحوی که خود بتواند فطرت خدا جوی خود را کشف کند و تجربه دینی را به طور حضوری شهود کند، این ممکن نخواهد شد جز با عشق. عشق کلید تربیت دینی است.^۲

۱. مجله، طوبی، آذر ۱۳۸۶، شماره ۲۵، hawzah.net، ساعت ۱۹:۲۰

۲. مجله، پاسدار اسلام، اول بهمن ماه ۱۳۹۱، شماره ۳۷۴، hawzah.net، ساعت ۲۰:۰۰

وظایف تربیتی والدین

- **انتخاب نام شایسته:** انتخاب نام خوب بذای کودک امری بسیار مهم و حساس است که تاثیر زیادی بر شخصیت و روح و روان او دارد. نام زیبا و شایسته، نماد هویت و شخصیت آینده هر فرد و مایه افتخار وی خواهد بود.
- **مهر و محبت:** محبت اساس موفقیت خانواده و از موثرترین روش های تربیتی که در فرهنگ اسلامی به آن توجه خاصی شده است. اسلام دستور داده که پدر و مادر باید بر اساس محبت فرزندان را تربیت کنند. کودک بیش از هر کس تشنه محبت والدین خود است. کودکی که در کانون مهر و محبت والدین خود پرورش یافته است دارای آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین، الگو گیری در مهر ورزی به دیگران و پیشگیری از انحرافات است و بهتر می تواند با مشکلات و حوادث سهمگین دوران بلوغ و تغییرات جسمی و روانی روبه رو شود و با آرامش و اطمینان قدم به عرصه اجتماع گذارد.
- **سالم سازی محیط رشد فرزندان:** پرورش صحیح فرزندان بدون توجه به ایجاد فضای سالم و مناسب و آرام میسر نمی شود.
- **بازی و همراهی با کودکان:** بازی از مهم ترین فعالیت های کودک به شمار می رود که تاثیر مثبتی در روحیه و شخصیت او می گذارد و موجب شکوفایی استعداد های نهفته و بروز خلاقیت در وی می شود. والدین باید به بازی کودکان اهمیت دهند و شرایط سالم برای بازی آن ها فراهم کنند و خود به عنوان هم بازی در آن شرکت داشته باشند. آنان باید کاری کنند بازی بهد صورت تجربه ای لذت بخش در ذهن کودک باقی بماند؛ زیرا زندگی او در بازی، شکل واقعی به خود می گیرد.
- **تکریم و احترام فرزند:** تکریم فرزند سبب به وجود آمدن احساس شخصیت و عزت نفس، پذیرش سخنان و آموزش های والدین و هم چنین جلوگیری از احساس خود کم بینی و جلوگیری از نفاق و دو رویی در وی می شود.^۱

تحریک انگیزه های ایمانی

یکی از روش هایی که معصومان علیهم السلام برای پرورش عادت های مطلوب اخلاقی به کار می برند، روش تحریک ایمانی است. در این روش معصومان با توسل به ایمان و اعتقادات دینی متریبان و تحریک آنفانان را به رفتارهای اخلاقی سوق می دهند.

دوری کردن از مجالس لهو و لعب و گوش ندادن به غنا و موسیقی های مناسب مجالس لهو و لعب، یکی از ارزش های اخلاقی اسلامی است که در متون دینی بر آن بسیار تاکید شده است. با وجود این معصومان برای ترغیب مردم به دوری از این رفتار ضد اخلاقی از مایه های ایمانی آنان استفاده می کردند.

به این سیره توجه فرمایید: «از ابی بصیر نقل است که همسایه ای داشت از عمال و کار گزاران حکومتی، که از راه حرام، ثروتی به هم زده بود و شب ها مجالس بزمی بر پا می کرد و خوانندگان زن در آن می خواندند و مجلسیان را مست شراب می کرد. این باعث آزار و اذیت ابی بصیر می شد. از این رو ابی بصیر، مکرر از او می خواست که از این کار دست بردارد. همسایه ابی بصیر با مشاهده اصرار وی به او گفت: ابا بصیر! من فردی هستم که به این امور دچار شده ام (و توان ترک آن را ندارم) اما تو سالمی و در راه راست؛ حال مراد برای امامت ابا عبدالله توضیح بده؛ شاید خداوند مرا از این وضعیت خلاص کند.

ابو بصیر می گوید: من در مسافرت به مدینه، حال و وضع او را برای امام صادق علیه السلام بیان کردم. امام فرمود زمانی که به کوفه برگشتی همسایه ات به دیدن تو خواهد آمد، از قول من به او بگو: از آن کارها دست بکش؛ من قول می دهم و متعهد می شوم که خداوند تو را وارد بهشت کند. ابا بصیر می گوید بعد از بازگشت، وعده امام را به او گفتم. او از من پرسید: به راستی امام صادق علیه السلام چنین فرمود؟ گفتم آری. بعد از چند روز کسی را دنبال فرستاد. وقتی وارد شدم، دیدم پشت در خانه اش برهنه ایستاده است. گفت ای ابا بصیر! همه آن چه داشتم به صاحبانش باز گرداندم و چیزی برایم نمانده است. من از چند تن از دوستان و برادرانم نیاز های اولیه ی او را برایش فراهم کردم. پس از چند روز پیام فرستاد که مریضم. به عیادت او رفتم و به معالجه او پرداختم؛ اما فایده ای نکرد. هنگام احتضار بیهوش شد. پس از آن که به هوش آمد گفت: ابا بصیر امام صادق علیه السلام به وعده اش وفا کرد و مرد.

در این سیره، امام علیه السلام با تحریک ایمان و اعتقاد همسایه ابو بصیر به خدا و معاد و بهشت او را از انجام رفتار های ناشایست باز داشته و به انجام رفتار های شایسته وا می دارد.^۱

^۱. محمد داوودی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله، ج ۳، چاپ سوم، پاییز ۱۳۸۹، ص ۱۴۰-۱۴۱

نتیجه گیری

خانواده از مهمترین بنیان یک جامعه به شمار می رود و پدر و مادر نقش اصلی را ایفا می کنند. تحقیقات نشان داده که هر گونه فشار عصبی در تمام بچه های کوچک وجود دارد. والدین با به کار بستن روش های مفید و سودمند این فشارها را کنترل کنند. همچنین تماشای تلویزیون می تواند برای کودکان ارزش مفید و سودمند را به دنبال داشته باشد مانند رعایت حقوق دیگران. اما باید به اندازه و مفید باشد و از جهتی دیگر والدینی که دیگر توان ادامه زندگی برای آن ها میسر نمی باشد اگر فرزندان را دارند باید ابتدا آموزش های لازم برای این امر توسط مشاوره را به عمل بیاورند در غیر این صورت فرزند دچار سر درگمی و ابهام در زندگی خود و درگیر اختلالات روانی می شود.

راهکارها

۱. شرکت والدین در جلسه های بصیرت افزایی مثل؛ مشاوره های خانوادگی، همایش هایی باموضوع خانواده و بصیرت
۲. مراجعه به سیره اهل بیت علیهم السلام و از دستوره های اخلاقی آن بزرگواران استفاده شود.
۳. جلوگیری از قرار دادن فرزندان در موقعیت هایی که باعث فشار عصبی می شود.
۴. فرزندان را به ارتباط اجتماعی تشویق کنیم.
۵. به فرزندانمان ایجاد ارتباط نو، همبستگی و کمک به هم نوع (انسان دوستی) را آموزش دهیم.
۶. استفاده از شیوه هایی مثل؛ تشویق و تنبیه توسط والدین می تواند در رفتار آن ها مؤثر باشد.
۷. آموزش شیوه ی درست استفاده از فضای مجازی
۸. آمادگی برخی از فرزندان و ایجاد پیش زمینه طلاق برای آن ها
۹. تشویق و ایجاد انگیزه کتاب خوانی در فرزندان
۱۰. جلوگیری از نازپروری و رفاه بیش از اندازه فرزندان

منابع و ماخذ

۱. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، کتابخانه ملی ایران، ج ۱، ۱۳۸۸
۲. حسینی دشتی، مصطفی، دایره المعارف اسلامی، نشر: تهران، سپید موی اندیشه، ج ۲، ۱۳۸۰
۳. دان دینک میرو دیگران، والدین و کودکان دیر شش سال، مترجم، رئیس دانا، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۷
۴. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر(ص)، ج ۳، پاییز ۱۳۸۹
۵. سالاری فر، محمدرضا، درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، چاپ ۱۶، مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۵
۶. طاقانکی، باقر و دیگران، برای تمام خانواده ها، ج ۱، انتشارات نصایح، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۶
۷. مجله پاسدار اسلامی، بهمن ۱۳۹۱، hawzeh.net
۸. مجله طویی، آذر ۱۳۸۶، شماره ۲۵، hawzeh.net
۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۸